

به اقدای پی‌شوای عشق

فرازهایی از سیره و سخنان پیامبر اکرم (ص)

□ **سوره احزاب، ۲۱:** همانا برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سر مشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

□ **سوره آل عمران، ۳۱:** [ای پیامبر،] بگو: «اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است.»

□ **سوره نساء، ۵۹:** هر گاه در امری اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک‌فروتر است.

□ **امام حسین (ع)،** از پیامبر خدا (ص) روایت نمود: کسی که دینش را از راه تفکر در نعمت‌های خدا، و تدبر در کتاب او و فهم سنت من به دست آرد، کوه‌ها بجنبند و او از جا نجنبند. و کسی که دینش را از دهان افراد فراگیرد و دنباله‌رو آنان شود، افراد او را به هر سو ببرند و دینش در معرض بزرگ‌ترین زوال است. (گزیده‌ای از سخنان امام حسین (ع)، محمد حکیمی، ص ۴۴)

□ **پیامبر اکرم (ص):** همانا من برانگیخته شده‌ام تا اخلاق‌های نیکو را به کمال رسانم. (میزان‌الحکمه، ص ۱۵۳۱)

□ **پیامبر اکرم (ص):** همانا نزدیک‌ترین شما به من در فردا [ای قیامت] و سزاوارترین شما به شفاعت من، راست‌گوترین، امانت‌دارترین، خوش اخلاق‌ترین و نزدیک‌ترین شما به مردم است. (میزان‌الحکمه، ص ۲۷۹۹)

□ **پیامبر اکرم (ص):** سوگند به آن که جانم در دست اوست کسی جز شخص مهربان به بهشت نمی‌رود. عرض کردند: «همه ما دل‌رحم و مهربانیم»، فرمود: «نه، مگر آن‌گاه که در حق همه مردم شفقت داشته باشید.» (میزان‌الحکمه، ص ۱۹۹۷)

□ یکی گفت: «خداوندا! مرا و محمد را بیامرز»، پیغمبر (ص) فرمود: «هر آینه آمرزش وسیع خداوند را از مردم باز داشتی.» (خاتم‌النیین، سید علی کمالی، انتشارات اسوه، ص ۲۲۵)

□ هنگامی پیامبر اکرم (ص) در تشییع جنازه یکی از یهودیان مدینه شرکت کرد. گروهی از صحابه نیز از آن حضرت تبعیت کردند و در تشییع شرکت نمودند، ولی بالاخره ناخشنودی خود را ابراز داشتند. پیامبر (ص) ایشان را مخاطب قرار داد و پرسید: «آیا این یهودی انسان نبوده است؟» (سیره نبوی، مصطفی دلشاد تهرانی، انتشارات دریا، ج ۲، ص ۷۸)

□ از امام حسن مجتبی (ع) درباره‌ی سیره‌ی رسول خدا (ص) نقل شده است که: «به خدا سوگند آن حضرت (ص) در را بر روی خود نمی‌بست، خود را از دیگران پنهان نمی‌ساخت، صبح و شبی

بر او نمی‌گذشت که او را نیابند... بلکه آن حضرت^(ص) در میان مردم و در حضور آنان بود. هر کس مایل بود، می‌توانست او را ملاقات کند.» (سیره حکومتی پیامبر اسلام^(ص)، حسین جوان‌مهر، انتشارات کتاب‌مبین، ج ۱، ص ۱۰۷)

□ اصحاب صُفّه گروهی از اصحاب رسول خدا^(ص) بودند که پس از مهاجرت، هنوز در خانه برادران‌شان از انصار اقامت نگزیده بودند؛ شب درون مسجد می‌خوابیدند و روز در سایه آن پناه می‌گرفتند. پیامبر^(ص) شب‌ها ایشان را فرا می‌خواند و گروهی را میان اصحاب خود تقسیم می‌کرد که با آن‌ها غذا بخورند و گروهی هم با خود پیامبر^(ص) غذا می‌خوردند. (میزان‌الحکمه، ص ۶۱۹۷)

□ عموی ابورافع بن عمرو غفاری می‌گوید: زمانی که بچه بودم، به درخت خرمايي که متعلق به انصار بود، سنگ می‌زدم. پیامبر^(ص) آمد. به ایشان گفته شد: «پسر بچه‌ای به نخل ما سنگ می‌زند!» مرا نزد پیامبر^(ص) بردند. فرمود: «پسر جان! چرا به نخل، سنگ می‌زنی؟» گفتم: «خرما می‌خورم.» فرمود: «به نخل، سنگ نزن؛ ولی از خرماهایی که پای آن ریخته است، بخور.» سپس دستی به سرم کشید و فرمود: «خدایا! شکمش را سیر گردان.» (حکمت‌نامه پیامبر اعظم^(ص)، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ج ۸، ص ۲۳)

□ پیامبر اکرم^(ص): پنج کار است که تا زنده هستم رهایشان نمی‌کنم: غذا خوردن روی زمین با بندگان، سوار شدن بر الاغ برهنه، دوشیدن بز با دست خودم، پوشیدن لباس پشمینه و سلام کردن به کودکان، تا این کارها بعد از من سنت شود. (میزان‌الحکمه، ص ۶۱۹۷)

□ شخصی به ابوذر گفت: «ای ابوذر! مرا به کاری راهنمایی کن که هرگاه بنده آن را انجام دهد، به بهشت می‌رود.» [ابوذر] گفت: پیامبر خدا فرمود: «ایمان آوردن به خدا.» [سپس ابوذر ادامه داد:] گفتم: «ای پیامبر خدا! آیا همراه ایمان، عملی هم باید باشد؟» فرمود: «از آنچه خدا به شخص روزی کرده است، بخششی کند.» گفتم: «ای پیامبر خدا! اگر نادر بود و چیزی نداشت، چه کند؟» فرمود: «سخن نیک بگوید.» گفتم: «اگر الکن بود و زبانش یاری نکرد؟» فرمود: «شکست خورده‌ای را یاری دهد.» گفتم: «اگر ناتوان بود و قدرتی نداشت؟» فرمود: «برای کسی که کاری بلد نیست، کاری انجام دهد.» گفتم: «اگر خودش کاری بلد نبود؟» پیامبر خدا رو به من کرد و فرمود: «نمی‌خواهی در دوستت، خیری (هنری یا نقطه مثبتی) باقی بگذاری؟» سپس فرمود: «آزارش را به مردم نرساند.» گفتم: «ای پیامبر خدا! همه این کارها آسان است!» فرمود: «سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، هر بنده‌ای که به یکی از این کارها عمل کند و قصدش رضایت خدا باشد، آن کار در روز قیامت، دست او

را می‌گیرد و رهایش نمی‌کند تا اینکه او را به بهشت ببرد.» (حکمت‌نامه پیامبر اعظم^(ص))، ج ۸، ص ۴۸۳)

□ پیامبر اکرم^(ص): لبخند زدن تو به روی برادرت صدقه است، امر به معروف تو صدقه است، نهی از منکر تو صدقه است و نشان دادن راه به کسی که راه بلد نیست صدقه است، برداشتن سنگ و خار و استخوان از سر راه صدقه است، خالی کردن آب از دلو خود به دلو برادرت صدقه است. (میزان‌الحکمه، ص ۳۰۴۱)

□ پیامبر اکرم^(ص): غذا چون چهار خصلت را داشته باشد، تمام و کامل است: از راه حلال به دست آمده باشد، دست‌های فراوانی به سوی آن دراز شود، با نام خداوند متعال شروع شود، با حمد و شکر او پایان پذیرد. (ترجمه الحیاة، ج ۵، ص ۳۱۷)

□ پیامبر اکرم^(ص): بدترین غذا، غذای ولیمه‌ای است که افراد سیر به آن دعوت می‌شوند و گرسنگان از آن منع می‌گردند. (میزان‌الحکمه، ص ۳۲۷۵)

□ از رسول خدا^(ص) پرسیدند: «کدام طعام خبیث‌تر است؟» فرمود: «آن که بخوری و دیگری [که نمی‌خورد] به تو نگاه کند.» (خاتم‌النبیین، ص ۵۶۳)

□ پیامبر اکرم^(ص): از بهترین اعمال در نزد خدا، خنک کردن جگرهای سوخته و سیر کردن شکم‌های گرسنه است. سوگند به آن کس که جان محمد به دست اوست، به من ایمان نیاورده است آن بنده‌ای که سیر بخوابد و برادر (یا همسایه) مسلمانش گرسنه باشد. (ترجمه الحیاة، ج ۵، ص ۳۰۴)

□ پیامبر اکرم^(ص) درو کردن و چیدن میوه در شب را مکروه می‌داشت، مبادا فقرا محروم شوند. (خاتم‌النبیین، ص ۱۹۴)

□ ابوذر غفاری می‌گوید: پیامبر^(ص) در سایه کعبه نشسته بود که به نزد او رفتم. تا مرا دید که به سوی او می‌روم، فرمود: «آنان، به پروردگار کعبه سوگند، زیانکارترینند! آنان به پروردگار کعبه سوگند، زیانکارترینند!» پس مرا اندوهی فرا گرفت و به نفس نفس افتادم و با خود گفتم شاید از من کار بدی سر زده است. گفتم: «پدر و مادرم به فدایت، آنان کیانند؟» فرمود: «بیشترین مردم، مگر اینکه اموال را در میان بندگان خدا همین‌طور و همین‌طور، و با این دست و آن دست پخش کنند و اندکند این کسان.» (ترجمه الحیاة، ج ۵، ص ۷۰۹)

□ علی^(ع) جامه‌ای خرید، از آن خوشش آمد و آن را صدقه داد و فرمود: «از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرماید: هر که دیگران را بر خود مقدم بدارد، خداوند در روز قیامت، در ورود به بهشت،

او را مقدم می‌دارد.» (حکمت‌نامهٔ پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۸۵)

□ **پیامبر اکرم (ص):** هر چه را که با چشم خود دیدی و دلت آن را خواست، برای خدا قرار ده، که این است تجارت آخرت؛ که خدای متعال می‌فرماید: «آنچه نزد شماست، تمام می‌شود، ولی آنچه نزد خداست، ماندنی است» [سوره نحل، ۹۶]. (حکمت‌نامهٔ پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۳۲۷)

□ **پیامبر اکرم (ص):** بخشنده، به خدا نزدیک است و به بهشت نزدیک است و به مردم نزدیک است. (حکمت‌نامهٔ پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۲۰۳)

□ **پیامبر اکرم (ص):** هرگز خورشید طلوع نکرد، مگر اینکه در دو طرف آن، دو فرشته گماشته شدند تا با ندایی - که ساکنان زمین، به جز جن و انس، آن را می‌شنوند - آواز دهند: «ای مردم! به سوی پروردگار خود بیاوید؛ زیرا آنچه کم باشد و کفایت‌کننده، بهتر است از آنچه بسیار باشد و غافل‌کننده»؛ و هرگز خورشید غروب نکرد، مگر این که در دو پهلوئی آن، دو فرشته آواز دادند: «بار خدایا! انفاق‌گر را زود عوض ده و خودداری‌کننده [از انفاق] را زود بی‌چیز گردان.» (حکمت‌نامهٔ پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۳۲۷)

□ **پیامبر اکرم (ص):** هر که مال خود را به اختیار از نیکان دریغ کند، خداوند مالش را به اجبار نصیب بدان می‌گرداند. (حکمت‌نامهٔ پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۳۲۹)

□ **پیامبر اکرم (ص):** هر کس برادر مسلمانش نیازمند شود که از او وامی بگیرد، ولی او وامش ندهد، خداوند در آن روزی که نیکوکاران را پاداش می‌دهد بهشت را بر وی حرام می‌گرداند. (حکمت‌نامهٔ پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۴۴۳)

□ **روزی مردی دیرتر [از دیگر اصحاب] به نزد پیامبر خدا آمد. پیامبر (ص) فرمود: «چرا دیر کردی؟» گفت: «برهنگی باعث شد، ای پیامبر خدا!» فرمود: «آیا همسایه‌ای نداشتی که دو جامه داشته باشد و یکی را به تو عاریه دهد؟» گفت: «چرا، ای پیامبر خدا!» فرمود: «او برادر تو نیست.» (حکمت‌نامهٔ پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۵۳)**

□ **پیامبر اکرم (ص):** خداوند در روز قیامت به مردم آبادی‌ای که در آن کسی شب را گرسنه به روز رسانده نگاه نمی‌کند. (ترجمه الحیاء، ج ۴، ص ۵۴۷)

□ **پیامبر اکرم (ص):** هرکه صبح کند در حالی که به امور مسلمانان اهتمام ندارد از ایشان نیست و هرکه فریاد کمک‌خواهی مردی را بشنود و به کمکش نشتابد مسلمان نیست. (میزان‌الحکمه، ص ۲۵۵۵)

□ امام علی(ع): بارها از پیامبر(ص) شنیدم که می فرمود: «ملت‌ی که حق ضعیفان را از زورمندان بدون ترس و لرز نستاند هرگز پاک نمی شود و روی سعادت نمی بیند.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

□ پیامبر اکرم(ص): محبوب ترین دین ها نزد خدا آیین حنیف است؛ پس هرگاه دیدی که امت من به ستمگر نمی گویند: «تو ستمگری»، بی تردید از دست رفته اند. (میزان الحکمه، ص ۱۸۱۱)

□ پیامبر اکرم(ص): طاعت و نیکی آن است که جان بدان قرار گیرد و دل به آن آرام یابد و گناه آن چیزی است که جان بدان قرار نگیرد و دل به آن آرام نیابد، هر چند فتوادهندگان خلاف آن را به تو فرمان دهند. (میزان الحکمه، ص ۶۷۶۱)

□ امام حسین(ع): رسول خدا(ص) فرمود: هر که فرمانروایی ستمگر را ببیند که حرام های خدا را حلال می شمرد، پیمان خدا را می شکند، با سنت رسول خدا مخالفت می کند و در میان بندگان خدا بر اساس گناه و تجاوز رفتار می کند، و نه با کردار خود بر او بشورد و نه با گفتار خود، آنگاه بر خداست که [در روز جزا] او را به همان جایگاهی در آورد که آن ستمگر را در می آورد. (سیره نبوی، ج ۲، ص ۲۲۶)

□ پیامبر اکرم(ص): به خوبی فرمان دهید، اگر چه خودتان به آن عمل نکنید و از زشت کاری ها باز دارید، هر چند خودتان از همه آنها اجتناب نکنید. (میزان الحکمه، ص ۳۷۲۱)

□ پیامبر اکرم(ص): چون روز قیامت شود منادی ای ندا دهد: کجا بندگان ستمگران و یاران آنها؟ هر کسی که دواتی برای آنان لایقه کرده، یا سر کیسه ای را برای آنان بسته، یا قلمی برای آنان در مرکب فرو برده است. ایشان را با همان ستمگران محشور کنید. (میزان الحکمه، ص ۳۳۸۱)

□ پیامبر اکرم(ص): هر کس با انجام کاری که خدا را ناخشنود می کند فرمانروایی را خشنود سازد، از دین خدای عزوجل خارج شده است. (میزان الحکمه، ص ۳۳۳۵)

□ پیامبر اکرم(ص): هرگاه بدکار ستوده شود، عرش می لرزد و پروردگار به خشم می آید. (حکمت نامه پیامبر اعظم(ص)، ج ۱۴، ص ۳۸۱)

□ پیامبر اکرم(ص): دوست داشتن مدح و ثنای مبالغه آمیز، [مردمان را] نسبت به دین کور و کر می سازد، و خانه ها را [از اهلش] خالی می کند. (حکمت نامه پیامبر اعظم(ص)، ج ۱۴، ص ۳۷۷)

□ پیامبر اکرم(ص): هر که نزد توانگری رود و از سر چشمداشت به آنچه او دارد در برابرش کرنش کند، دو سوم دینش از بین می رود. (میزان الحکمه، ص ۶۸۵۳)

□ پیامبر اکرم (ص): فرو گذاشتن یک لقمه حرام، نزد خدا محبوب تر از خواندن دو هزار رکعت نماز مستحبی است. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۵۵۳)

□ پیامبر اکرم (ص): هر کس حکمران ستمگری را مدح گوید و از سر چشمداشت به او، خود را در برابرش کوچک و خوار گرداند، همسفر او به سوی آتش خواهد بود. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۱۴، ص ۳۸۱)

□ پیامبر اکرم (ص): در دهان مدیحه‌سرایان خاک پاشید. (خاتم‌النیین، ص ۸۵)

□ پیامبر اکرم (ص): هر کس دوست داشته باشد که او نشستۀ باشد و مردم در برابرش بایستند، جایگاهش در آتش است. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۳۰۷)

□ پیامبر خدا (ص) مشغول طواف خانه خدا بود که بند کفشش پاره شد. مردی بند کفش خود را باز کرد و به ایشان داد. پیامبر (ص) از پذیرفتن آن امتناع ورزید و فرمود: «این، نوعی امتیاز است و من امتیاز را نمی‌پذیرم.» (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۴۵۹)

□ مردی را پیش پیامبر (ص) آوردند و گفتند: «این شخص می‌خواسته شما را بکشد.» اما پیامبر (ص) فرمود تا او را رها کنند و به آن مرد گفت: «ترس، بر فرض که چنان قصدی هم داشته‌ای، اما بر من که دست نیافته‌ای.» (سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)، ص ۱۲۷)

□ پیامبر اکرم (ص): روز قیامت بدترین مردم در پیشگاه خدا کسانی هستند که مردم از ترس آزار و گزندشان به آن‌ها احترام بگذارند. (میزان‌الحکمه، ص ۲۶۹۱)

□ پیامبر اکرم (ص): باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه خداوند بدان شما را بر خوبانتان مسلط می‌گرداند. در چنین وضعی نیکانتان دعا می‌کنند ولی دعایشان مستجاب نمی‌شود. (میزان‌الحکمه، ص ۵۷۰۵)

□ پیامبر اکرم (ص): هرگونه که باشید همان‌گونه بر شما حکومت می‌شود. (میزان‌الحکمه، ص ۶۸۵۳)

□ پیامبر اکرم (ص): بدانید که آسیاب اسلام، به چرخش در آمده است. پس شما بر محور کتاب خدا بچرخید، هر جا که چرخید. بدانید که قرآن و سلطان، به زودی از یکدیگر جدا می‌شوند، ولی شما از قرآن جدا نشوید. بدانید که به زودی امیرانی بر شما حاکم خواهند شد که آنچه برای خود حکم می‌کنند، برای شما حکم نمی‌کنند، و اگر از آنها نافرمانی کنید، شما را می‌کشند و اگر فرمان‌برداری کنید، گمراهتان می‌سازند. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۸)

□ پیامبر اکرم (ص): هر آینه گره‌های [استحکام‌بخش] اسلام یکی‌یکی گشوده خواهد شد و هر گاه گرهی باز شود مردم به گره بعدی آن خواهند پرداخت. اولین گرهی که باز می‌شود زیر پا گذاشتن داوری عادلانه است و آخرین آن نماز. (میزان‌الحکمه، ص ۲۵۵۵)

□ پس از جنگ بدر، پیامبر (ص) فرمان داد تا غنیمت‌ها به‌طور مساوی میان مردم تقسیم شود. سعد بن ابی وقاص گفت: «ای رسول خدا، آیا به سواران که نگاهبانان و حامیان مردمند به اندازه ناتوانان سهم می‌دهی؟» پس پیامبر (ص) فرمود: «وای بر تو! مگر شما جز به برکت ناتوانان پیروز می‌شوید؟» (سیره نبوی، ج ۲، ص ۳۷۵)

□ پیامبر اکرم (ص): زمامداران اتمم پس از خویش را، به یاد و پروای خدا فرا می‌خوانم ... زنهار که در خانه خود را به روی مردم میندند که در این صورت قدرتمندان و توانگران ایشان، ضعیفانشان را خواهند خورد! (ترجمه الحیاة، ج ۳، ص ۵۲۲)

□ پیامبر اکرم (ص): همانا پیشینیان شما هلاک شدند، چرا که اگر بزرگی از ایشان دزدی می‌کرد رهایش می‌ساختند و چون ضعیفی دزدی می‌کرد مجازاتش می‌کردند. (میزان‌الحکمه، ص ۱۰۴۹)

□ پیامبر (ص) مردی از بنی اسد را مأمور جمع آوری زکات کرد. چون اموال زکات را آورد، آن را دو بخش نمود و گفت: «این بخش [زکات و] برای شما است، اما بخش دیگر به خود من هدیه شده است.» پیامبر (ص) بر منبر ایستاد ... و پس از حمد و ثنای خداوند، فرمود: «چه شده است که کارگزار را [برای جمع آوری مال خدا] می‌فرستیم، و چون باز می‌آید می‌گوید: این از آن توست، و این از آن من؟! چرا در خانه پدر و مادرش نمی‌نشیند تا ببیند آیا باز هم برای او هدیه می‌آورند یا نه؟! سوگند به آن که جانم در دست اوست، او هیچ چیز بر نمی‌دارد، مگر این که روز قیامت آن را بر دوش خود خواهد کشید.» (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۳۷۱)

□ پیامبر اکرم (ص): هدایایی که به کارگزاران پیشکش می‌شود، فریب و خیانت است. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۳۷۱)

□ پیامبر اکرم (ص): هر کس برای برادر خود وساطتی بکند و او به خاطر آن وساطت، برایش هدیه‌ای ببرد و او آن هدیه را بپذیرد، هر آینه به در بزرگی از درهای ربا وارد شده است. (میزان‌الحکمه، ص ۶۶۴۵)

□ پیامبر اکرم (ص): هدیه بر سه گونه است: هدیه جبرانی، هدیه رشوه‌ای [و تملق آمیز]، و هدیه به خاطر خداوند عزوجل. (میزان‌الحکمه، ص ۶۶۵۱)

□ پیامبر اکرم (ص): ایمان هیچ بنده‌ای درست نشود مگر آنکه دلش درست شود، و دلش درست نشود مگر آنکه زبانش درست شود. (میزان‌الحکمه، ص ۵۳۱۳)

□ پیامبر اکرم (ص): کسی که سخن گفتنش را از اعمال خویش به شمار نیاورد، گناهانش بسیار می‌شود و عذابش حاضر می‌گردد. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۱۴، ص ۳۲۹)

□ پیامبر اکرم (ص): آدمی‌زاده را همین گناه بس که با آبروی برادر مسلمانش بازی کند. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۵۳۷)

□ پیامبر اکرم (ص): برای دروغ‌گویی آدمی، همین بس که هر چه می‌شنود، بازگو کند. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۱۴، ص ۳۲۹)

□ پیامبر اکرم (ص): هر کس بر ضد فرد مسلمانی یا کافری در ذمه اسلام، و یا هر کس دیگری از مردم، شهادت دروغ دهد، در روز قیامت [...] با منافقان در پایین‌ترین طبقه دوزخ جای می‌گیرد. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۴۳۷)

□ پیامبر اکرم (ص): هان! هر کس خبر کار زشتی را بشنود و آن را افشا سازد، همانند کسی است که مرتکب آن شده است، و هر کس خبر عمل نیکی را بشنود و آن را در بین مردم شایع کند، همانند کسی است که آن را انجام داده است. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۴۴۱)

□ پیامبر اکرم (ص): ای جماعتی که به زبان اسلام آورده‌اید، و به دل اسلام نیاورده‌اید! در جستجوی لغزش‌های مسلمانان نباشید، که هر کس لغزش‌های مسلمانان را پی‌جویی کند، خداوند لغزش او را پی‌می‌گیرد، و هر کس که خداوند عیب‌جویی او کند رسوایش می‌سازد. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۵۳۷)

□ کسی را به اتهام دزدی دستگیر کردند و به حضور پیامبر آوردند. شاهدی آمد و چنین شهادت داد که: «من او را دیدم که این چیز را می‌دزدید.» حضرت فرمود: «چرا نمی‌گویی او را دیدم که این چیز را بر می‌داشت؟» (راه محمد (ص)، سید رضا صدر، انتشارات بوستان کتاب قم، ص ۴۸۶)

□ پیامبر اکرم (ص): هر کس از برادر خود نزد حکمرانی بدگویی کند، حتی اگر از آن حکمران به او ناراحتی یا گزند نرسد، خداوند عزوجل همه اعمال [نیکی] آن بدگور را بر باد می‌دهد؛ اما اگر گزند و تشویش، و یا آزاری از آن حکمران به آن شخص برسد، خداوند آن بدگور را با هامان (وزیر فرعون) در یک طبقه از دوزخ جای می‌دهد. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۴۳۹)

□ پیامبر اکرم (ص): هر کس به قصد خشنودی حکمرانی، مسلمانی را بترساند، در روز قیامت، او را در غل و زنجیر می آورند. (حکمت نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۵۰۵)

□ رسول خدا (ص) مأموری را برای گرفتن زکات فرستاده بود، مردی با او مشاجره کرد و مأمور زکات او را در میان درگیری زخمی ساخت. نزدیکان آن فرد نزد پیغمبر (ص) آمدند، و تقاضای قصاص کردند. پیغمبر (ص) فرمود: «فلان مقدار پول را به عنوان دیه بگیرد»، قبول نکردند. پیغمبر مبلغ را زیاد کرد تا قبول کردند. به ایشان فرمود: «امشب من خطبه می خوانم، و مسلمانان را از رضایت شما آگاه می کنم.» گفتند: «خوب است، چنین باشد.» شب هنگام، پیغمبر (ص) به مسلمانان گفت: «این مردم با گرفتن این مال راضی شدند»، اما آنان گفتند: «نه، [راضی نشده ایم!]» اصحاب از این کار به خشم آمدند، اما پیغمبر (ص) فرمود: «مزاحمتی برای ایشان ایجاد نکنید.» آنگاه آنها را فراخواند و آن مال را زیاد کرد، و فرمود: «آیا راضی شدید؟» گفتند: «راضی شدیم.» پیغمبر (ص) فرمود: «من مردم را از رضایت شما آگاه می کنم.» گفتند: «خوب است.» پیغمبر (ص) بار دیگر مردم را فراهم ساخت، و در حضور ایشان پرسید: «آیا راضی شدید؟» گفتند: «راضی شدیم.» (خاتم النبیین، ص ۱۱۴)

□ «ابورافع» این گونه روایت می کند: قریش مرا نزد پیامبر (ص) فرستادند و من در ملاقات با آن حضرت (ص)، به اسلام رغبت یافتم و تصمیم گرفتم که بمانم و به سوی قریش باز نگردم، لیکن پیامبر (ص) فرمود: «من پیمان خود را نمی شکنم و سفیران را نزد خود نگه نمی دارم. تو به سوی آنها بازگرد و پس از رسیدن به مکه، اگر به اسلام تمایل داشتی به سوی ما بیا.» (سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)، ص ۱۷۶)

□ پیامبر اکرم (ص): حکایت من و قیامت، حکایت مردی است که عده ای او را برای خبر یافتن از وضعیت دشمن پیشاپیش روانه کرده اند و او [دشمن را می بیند و] از ترس اینکه دشمن زودتر از او خود را به مردمش برساند، جامه اش را در می آورد و با آن علامت می دهد که: به شما حمله شده! به شما حمله شده! ببینیدم! ببینید! (میزان الحکمه، ص ۵۳۸۷)

□ پیامبر اکرم (ص): اگر آنچه را من از دنیا می دانم، شما هم می دانستید، جان هایتان از آن آسوده می شد. (میزان الحکمه، ص ۱۷۲۱)

□ گفته شد: «ای پیامبر خدا! آن اولیای خدا که هیچ بیم و اندوهی به آنان راه ندارد [سوره یونس^(۲)، ۶۲]، چه کسانی هستند؟» فرمود: «کسانی که وقتی مردم ظاهر دنیا را دیدند، آنها باطنش را دیدند. از این رو، وقتی مردم به اکنون دنیا اهتمام ورزیدند، آنها به آینده اش اهتمام کردند. پس، از دنیا آنچه را که ترسیدند آنان را بمیراند، میراندند، و آنچه را که دانستند به زودی

ترکشان خواهد کرد، ترک گفتند. پس هیچ چیز دنیا خود را به آنان عرضه نکرد مگر اینکه دست رد به سینه آن زدند، و هیچ عزت و رفعتی از دنیا در صدد فریب آنان بر نیامد مگر اینکه آن را پست شمردند.

دنیا در نزد آنان کهنه شده است و آن را نو نمی‌کنند، و در میانشان خراب گشته است و آبادش نمی‌کنند، و در سینه‌هایشان مرده است و زنده‌اش نمی‌کنند؛ بلکه ویرانش می‌کنند و با آن، آخرتشان را می‌سازند، و دنیا را می‌فروشند و با آن، چیزی می‌خرند که برایشان می‌ماند. اهل دنیا را دیدند که بر خاک افتاده‌اند و انواع کیفرها [ی‌الهی] را چشیده‌اند. از این رو، امنیت را جز در آنچه امید بدان دارند، و ترس را جز در آنچه از احوال دنیا و دنیاپرستان می‌بینند، نمی‌یابند.» (حکمت‌نامه پیامبر اعظم^(ص)، ج ۸، ص ۱۷۵)

□ پیامبر اکرم^(ص): هرکه نعمت خدای عزوجل را جز در خوردنی و نوشیدنی یا پوشاک نبیند، بی‌گمان عملش کوتاه و عذابش نزدیک است. (میزان‌الحکمه، ص ۶۳۶۵)

□ پیامبر اکرم^(ص): مبدا به خاطر دلسوزی برای خانواده‌ات، طاعت خدا را واگذاری و به نافرمانی او روی آوری؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «ای مردم! از پروردگارتان پروا بدارید و بترسید از روزی که نه پدری می‌تواند برای فرزندش کاری بکند و نه فرزندش برای پدرش. بی‌گمان، وعده خدا راست است.» [سوره لقمان، ۳۳] (حکمت‌نامه پیامبر اعظم^(ص)، ج ۸، ص ۴۱۱)

□ پیامبر اکرم^(ص): پشیمان‌ترین مردمان در روز رستاخیز کسی است که آخرت خود را برای دنیای دیگری بفروشد. (میزان‌الحکمه، ص ۱۱۹۳)

□ پیامبر اکرم^(ص): کودکان را به خاطر پنج چیز دوست می‌دارم: اول آنکه بسیار می‌گریند؛ دوم آنکه با خاک بازی می‌کنند؛ سوم آنکه بدون کینه دشمنی می‌کنند؛ چهارم آنکه چیزی برای فردا ذخیره نمی‌کنند؛ پنجم آنکه می‌سازند و سپس خراب می‌کنند. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم^(ص)، ج ۷، ص ۳۳۳)

□ پیامبر اکرم^(ص): به یکی از اصحاب خود فرمود: «ای بنده خدا! به خاطر خدا دوست بدار، به خاطر خدا نفرت داشته باش، به خاطر خدا دوستی کن، به خاطر خدا دشمنی ورز، زیرا دوستی خدا جز با این‌ها به دست نیاید و آدمی تا چنین نباشد طعم ایمان را نچشد هر چند نماز و روزه‌اش بسیار باشد. امروزه دوستی و برادری مردم با یکدیگر بیشتر به خاطر دنیاست، برای دنیا دوستی می‌کنند و برای دنیا باهم دشمنی می‌ورزند.» (میزان‌الحکمه، ص ۳۱۹۴)

□ پیامبر اکرم^(ص): خداوند بر فرزند آدم مسلط نکرد مگر کسی را که فرزند آدم از او می‌ترسد،

اگر فرزند آدم از کسی جز خدا نمی‌ترسید خداوند جز خود کسی را بر او مسلط نمی‌کرد؛ و فرزند آدم واگذار نشد مگر به کسی که به او امید بسته باشد، اگر فرزند آدم جز به خدا امید نمی‌بست به غیر خدا واگذار نمی‌شد. (میزان‌الحکمه، ص ۱۵۸۱)

□ پیامبر اکرم (ص): به کسی غیر از خدا تکیه نکن، که خداوند، تو را به همو وامی‌گذارد. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۳۶۵)

□ پیامبر اکرم (ص): روز قیامت به ریاکار ندا می‌شود: «ای ناپکار، ای فریبکار، ای ریاکار! عملت بر باد شد و مزدت از بین رفت. برو و مزد خود را از همان بگیر که به خاطر او کار می‌کردی.» (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۵۹۳)

□ پیامبر اکرم (ص): به زیادی نماز و روزه و حج و احسان و ورد و ذکر شبانه مردم منگرید، بلکه به راستگویی و امانت‌داری آن‌ها توجه کنید. (میزان‌الحکمه، ص ۲۹۹۷)

□ پیامبر اکرم (ص): هر کس برای خودنمایی و شهرت‌طلبی اطعام کند، خداوند متعال به اندازه همان طعام از غذای دوزخیان خوراکش گرداند، و آن طعام را در شکمش آتش می‌گرداند تا زمانی که میان مردم داوری کند. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۴۴۱)

□ پیامبر خدا (ص) [در اندرز به ابوذر]: از غذای فاسقان، تناول مکن. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۱۴، ص ۲۸۵)

□ روز خیبر، عدّه‌ای از یاران پیامبر (ص) آمدند و گفتند: «فلان کس شهید شد، فلان کس شهید شد، فلان کس شهید شد»، تا آنکه به نام مردی رسیدند و گفتند: «فلانی هم شهید شد.» پیامبر خدا فرمود: «نه! من او را بدان سبب که عبایی از غنایم را مخفیانه برداشت در آتش دیدم.» (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۵۸۷)

□ اسرای جنگ بدر که در اسارت مسلمین بودند مجبور به پذیرش دین اسلام نشدند. پیامبر (ص) به یارانش فرمود تا از این اسیران مشرک به خوبی پذیرایی کنند و از غذایی که خود می‌خورند به آنها بدهند. آنهایی که اسلام نیاوردند، با پرداخت فدیّه یا تعلیم [خواندن و نوشتن به] ده کودک مدینه آزاد شدند. (سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)، ص ۱۷۲)

□ روزی پیامبر (ص) بر دو مجلس گذشت، یکی مجلس ذکر و دیگری مجلس تعلیم و تعلّم. فرمود: «هر دو خوبند، و یکی بهتر است. آنها دعا می‌کنند، اگر [خداوند] بخواهد می‌دهد، و اگر نه منع می‌کند؛ اما اینها یاد می‌دهند و یاد می‌گیرند، اینان بهترند و من برای معلمی مبعوث شده‌ام.» (خاتم‌النّبیین، ص ۱۷۲)

□ پیامبر اکرم (ص): اگر روزی بر من بیاید که در آن روز بر دانش خود چیزی نیفزایم که به خدای تعالی نزدیکم گرداند، طلوع خورشید آن روز بر من مبارک مباد. (میزان الحکمه، ص ۳۹۳۳)

□ پیامبر اکرم (ص): هیچ عملی جز با شناخت پذیرفته نشود و هیچ شناختی پذیرفته نیست جز با عمل. (میزان الحکمه، ص ۳۵۵۵)

□ پیامبر اکرم (ص): هرگاه، بدعت‌ها در میان امت ظاهر گشت عالم باید علمش را آشکار کند، و هر کس چنین نکند لعنت خدا بر او باد! (حکمت‌نامه پیامبر (ص) اعظم، ج ۸، ص ۴۷۷)

□ پیامبر اکرم (ص): در دانش با یکدیگر صادق باشید؛ زیرا خیانت در دانش، بدتر از خیانت در مال است. (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۵۸۳)

□ پیامبر اکرم (ص): ای ابوذر! هر کس از علمی برخوردار شود که او را نگریاند، سزاوار است که گفته شود از علمی برخوردار شده که سودی برایش ندارد؛ زیرا خداوند عزوجل دانشمندان را چنین ستوده است: «بی‌گمان، کسانی که پیش از نزول آن (قرآن)، دانش یافته‌اند، چون این کتاب بر آنان خوانده شود، سجده‌کنان به روی در می‌افتند و می‌گویند: منزه است پروردگار ما، که وعده پروردگار ما قطعاً انجام شدنی است. و بر روی زمین می‌افتند و می‌گیرند و بر فروتنی آن‌ها افزوده می‌شود.» [سوره اسراء، ۱۰۹-۱۰۷] (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۱۴، ص ۵۱۷)

□ حبیب بن حارث نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: «من مردی هستم که زیاد گناه می‌کنم.» فرمود: «توبه کن.» گفت: «ای رسول خدا! توبه می‌کنم و باز هم گناه می‌کنم.» فرمود: «هر وقت گناه کردی توبه کن.» گفت: «ای رسول خدا! در این صورت گناهان من زیاد است.» پیغمبر (ص) فرمود: «عفو خداوند از گناه تو بیشتر است.» (خاتم النبیین، ص ۲۵۶)

□ دندان رسول خدا (ص) در غزوه احد به دست مشرکان شکست. خدمتش عرض کردند: «در حق ایشان نفرین کن.» فرمود: «من برای بدبخت کردن فرستاده نشده‌ام، من برای رحمت بر بشر آمده‌ام تا به سوی حق دعوتشان کنم.» آنگاه در حق مشرکان و دشمنانی که دندانش را شکسته بودند چنین دعا کرد: «بار الها! قوم مرا بیمارز، اینان نمی‌دانند و ناآگاهند.» (راه محمد (ص)، ص ۴۷۷)

□ آنگاه که پیامبر (ص) در روز فتح مکه به قریش استیلا یافت، از خون وحشی - قاتل حمزه - گذشت. هند دختر عتبه - همسر ابوسفیان - که گوش‌ها، زبان و دست‌های حمزه را بریده و قلب و جگرش را دریده و به دندان جویده بود، عفو کرد. عکرمه بن ابی جهل را بخشود. همو که مال زیادی برای از پا درآوردن رسول خدا (ص) خرج کرده بود. هبّار بن اسود بن مطلب را

بخشود، همان که دخترش زینب راترسانده و باعث سقط جنین او شده بود. (سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)، ص ۱۲۲)

□ در روز فتح مکه، یکی از فرماندهان سپاه اسلام، سعد بن عباده بود که پیشاپیش لشکرش حرکت می‌کرد و فریاد می‌زد: «الیوم یوم الملقمه، الیوم تستحل الحرمه، الیوم اذل الله قریشا» «امروز روز خون ریختن است، امروز حرمت و احترامی نگه داشته نمی‌شود. امروز، روزی است که خداوند قریش را ذلیل و خوار ساخت.» مردم مکه از این شعار به وحشت افتاده بودند. چون این سخن به گوش پیامبر (ص) رسید، فرمود: «سعد این سخن را از روی اشتباه گفته، پس این را شعار کنید که: ”الیوم یوم المرحمه، الیوم اعز الله قریشا“ امروز روز لطف و رحمت است. امروز روزی است که خداوند قریش را عزت بخشیده است.» (سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)، ص ۱۲۲)

□ سوره توبه، ۱۲۸: قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است.

□ پیامبر اکرم (ص): همانا پروردگار شما را در طول عمرتان نسیم‌هایی است، پس خویشتن را در معرض آن قرار دهید، باشد که نفع‌های آن نسیم‌ها به شما برسد و زان پس هرگز به شقاوت نیفتید. (میزان‌الحکمه، ص ۲۰۰۷)

□ [از نیایش‌های آن حضرت:] خداوندا! با نگاهت که خواب ندارد نگاهبانی‌ام کن، و در پناه استوار خود که سستی نپذیرد بگیرم. از من در گذر، ای پروردگار من. تباه نگردم آنجا که تو امیدم باشی ... (نیایش‌های پیامبر (ص)، محمود مهدوی دامغانی، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ص ۱۲۹)

□ پیامبر اکرم (ص): آدمی با کسی است که دوستش می‌دارد. (میزان‌الحکمه، ص ۹۸۰)

□ [از نیایش‌های آن حضرت:] بار الها! محبت به خودت و محبت به کسانی که تو را دوست دارند و محبت آنچه که مرا به محبت تو نزدیک می‌گرداند، روزیم فرما. (میزان‌الحکمه، ص ۵۳۴۹)